

Received: 2024/11/13

Accepted: 2025/5/1

from 139 to 163

Seyyed Mohammad

Baqer Mirsanea

Assistant Professor, Department
of Theoretical Ethics, Institute for
Ethics and Psychology,
Research Institute of the Qur'an
and Hadith, Qom, Iran.
mirsanea.m@riqh.ac.ir

Practical Solutions for Strengthening Family Resilience in Transmitted Ethics with an Emphasis on the Book *Iman wa Kufr* from *al-Kāfī*

Abstract

Sustaining the authentic moral and religious values of the family within a society fraught with ethical challenges necessitates the formulation of effective strategies. Akhlāq Naqlī (Transmitted Ethics), one of the four principal schools of Islamic ethics, relies on a corpus of moral teachings derived from Quranic verses and narrations (hadith). This study argues that a re-examination of these sources, specifically focusing on teachings related to steadfastness in a “threatened society,” can yield practical strategies for fortifying family resilience. The central research question is: What strategies does Akhlāq Naqlī offer to enhance family resilience against moral and social threats? This research employs a descriptive-analytical methodology based on hadith sources, selecting the “Book of Faith and Disbelief” (*Kitāb al-Īmān wa al-Kufr*) from al-Kulaynī’s *Al-Kāfī* as its primary textual basis. The findings indicate that the teachings of transmitted ethics suggest three categories of strategies: 1) Foundational Strategies, rooted in theological and anthropological principles, such as investing in core virtues, focusing on the qualitative dimension of actions, providing emotional support, and ensuring that duties are proportional to individual capacity; 2) Defensive Strategies, which include patience (*ṣabr*), prudential dissimulation (*taqiyyah*), and scrupulous piety (*waraʿ*); and 3) Proactive Strategies, which encompass promoting value-based literacy, upholding individual dignity, strengthening social honor, and consolidating the bonds among believers.

Keywords:

Religious Upbringing, Family Resilience, Transmitted Ethics (Akhlāq Naqlī), Threatened Society, *Al-Kāfī*, *Kitāb al-Īmān wa al-Kufr*.

راهکارهای مقاوم‌سازی خانواده در اخلاق نقلی با تأکید بر کتاب ایمان و کفر الکافی

سید محمدباقر میرصانع

استادیار گروه اخلاق نظری، پژوهشکده
اخلاق و روان‌شناسی، پژوهشگاه قرآن و
حدیث، قم، ایران.

mirsanea.m@riqh.ac.ir

چکیده

پایداری و حفاظت از ارزش‌های اصیل اخلاقی و دینی خانواده در جامعه‌ای که با چالش‌ها و تهدیدهای اخلاقی روبه‌روست، نیازمند ارائه راهکارهای کارآمد است. اخلاق نقلی به‌عنوان یکی از مکاتب چهارگانه اخلاق اسلامی، بر مجموعه‌ای از آیات و روایات اخلاقی تکیه دارد. بازخوانی منابع اخلاق نقلی و استخراج آموزه‌های مرتبط با استقامت در جامعه تهدید، می‌تواند راهکارهای عملی و کاربردی برای مقاوم‌سازی خانواده ارائه دهد. سؤال محوری این پژوهش عبارت است از اینکه اخلاق نقلی چه راهکارهایی را برای تقویت مقاومت خانواده در مواجهه با تهدیدهای اخلاقی و اجتماعی ارائه می‌دهد؟ روش تحقیق این پژوهش، تحلیلی و توصیفی بر مبنای منابع حدیثی است. در این راستا، کتاب ایمان و کفر از الکافی به‌عنوان منبع اصلی تحقیق انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سه دسته راهکار می‌توان بر اساس آموزه‌های اخلاق نقلی پیشنهاد کرد: ۱. راهکارهای مبتنی بر میانی دین‌شناختی و انسان‌شناختی مانند سرمایه‌گذاری بر فضایل اصلی، توجه به کیفیت عمل، حمایت عاطفی، و تکلیف متناسب با توان فرد. ۲. راهکارهای سلبی مانند صبر، تقیه، و ورع. ۳. راهکارهای ایجابی مانند ارتقای سواد ارزشی-اخلاقی، حفظ کرامت فردی، تقویت عزت اجتماعی، و تحکیم روابط میان مؤمنان.

واژگان کلیدی:

تربیت دینی، خانواده مقاوم،
اخلاق نقلی، جامعه تهدید، الکافی،
ایمان و کفر.

حفظ و نگهداری از ارزش‌ها و فضایل انسانی و ایمانی مانند ایجاد آن‌ها ارزشمند است و چه بسا ارزشی مضاعف داشته باشد. چه بسیار کسانی که ارزش‌های اخلاقی را به دست آوردند؛ اما از حفظ و نگهداری آن عاجز بودند. تاریخ افراد بسیاری را دیده است که ابتدا در جبهه‌ی حق وارد شدند؛ اما نتوانستند این ورود خود را استمرار ببخشند. برای یک فرد، خانواده و جامعه‌ی ارزشی-ایمانی ضرورت دارد که راهکارهای مقاومت و ایستادگی بر ارزش‌ها را بشناسد تا مقدمه‌ی عمل و ثبات قدم شود.

در جهان معاصر، امور مختلفی دست در دست هم داده است تا پایه‌های ارزش‌های دینی، خانوادگی و سنتی را در هم بشکند. انواع تهاجم‌ها در رسانه‌های عمومی و فضای مجازی شکل گرفته است تا متعهدان به ارزش‌ها را به وسیله‌ی ایجاد شبهه، تحقیر و تمسخر، تنگ کردن عرصه‌ی فعالیت، در مواردی تهدید و ارباب، مبتذل‌سازی و بسیاری امور دیگر را متزلزل کنند. سبک زندگی جدید، نوع اشتغال‌ها، نوع آموزش‌های علمی و مدرسی و نسبت دولت با ملت نیز به سخت شدن و پیچیده شدن این فضا کمک کرده است. در بسیاری از موارد احساس می‌شود جامعه علیه ارزش‌ها و آرمان‌های مؤمنان شورش کرده و عرصه را بر آنان تنگ نموده است.

در این فضا که از آن به فضای تهدید تعبیر می‌کنیم، شناخت راهکارهای مقاوم‌سازی افراد، خانواده‌ها و جامعه‌ی ایمانی-ارزشی بسیار مهم است. مخاطب راهکارها می‌توانند گروه‌های مختلفی باشند؛ برخی راهکارها در حیطه‌ی وظایف دولتمردان و سیاستمداران و برخی سازمان‌ها و سامانه‌های جمعی و برخی راهکارها در حیطه‌ی افراد و خانواده‌ها است. راهکارها را می‌توانند منابع مختلفی پیشنهاد کنند؛ عقل عملی، آموزه‌های وحیانی، تجربه‌ی بشری و توافقات جمعی. در این مقاله در پی یافتن راهکارهای اخلاق نقلی، با محوریت کتاب ایمان و کفر الکافی^۱، برای مواجهه با موقعیت تهدید هستیم. مخاطب این راهکارها افراد و خانواده‌ها هستند. پرسش اصلی این نوشتار عبارت است از: راهکارهای پیشنهادی اخلاق نقلی با محوریت کتاب ایمان و کفر الکافی برای مقاوم‌سازی فرد و خانواده چیست؟

پاسخ به این پرسش در سه بخش ارائه می‌شود: بخشی به راهکارهای معطوف به مبانی مقاومت در روایات ایمان و کفر، بخشی به راهکارهای سلبی و بخش دیگر به راهکارهای اجابی مقاوم‌سازی پرداخته خواهد شد.

کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان تاکنون چاپ و منتشر نشده است؛ اما همسو با آن، آثاری همچون کتاب خانواده در اسلام^۲ در یک فصل خود و مقالاتی چون «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»^۳

۱- انتخاب کتاب ایمان و کفر به جهت انسجام مباحث بوده است.

۲- پستان، حسین؛ خانواده در اسلام؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ ش.

۳- حسن زاده، صالح؛ «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»؛ پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۴، شماره ۱۵، ۱۳۹۴ ش. doi:

۲۰۱۵۱۰۳۰.rjqk/۱۰,۲۲۰۵۴

به بحث تحکیم خانواده پرداختند. موضوع مورد بحث ما در مقاله‌ی حاضر مقاوم‌سازی خانواده است که با تحکیم خانواده متفاوت است. تحکیم خانواده در مقابل ازهم‌پاشیدگی و جدایی در خانواده است؛ اما مقاوم‌سازی خانواده به معنای حفظ ارزش‌های اخلاقی خانواده در جامعه تهدید و ایستادگی در مقابل ضداثرات‌های اخلاقی است؛ در نتیجه، نباید این دو را باهم خلط کرد. در کتابی دیگر با عنوان چگونه خانواده خود را مقاوم کنیم؟^۱ به بحث مقاوم‌سازی خانواده پرداخته شده است؛ اما آن کتاب به بحث مقاومت اقتصادی در خانواده است و نه مقاومت اخلاقی. همچنین مقالات بسیاری با موضوعاتی حول خانواده، تربیت و منابع اسلامی انجام گرفته است؛ مانند «تحلیلی از رابطه‌ی ارزش‌های اخلاقی و تحکیم خانواده از منظر قرآن و سنت»،^۲ «نقش آموزه‌های دینی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده»،^۳ «دین‌داری و الگوی تربیتی خانواده»،^۴ و «بررسی رابطه‌ی بین اعتقادات دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده»،^۵ با وجود تحقیقات فراوان درباره‌ی اخلاق اسلامی و خانواده، بررسی مستقیم و کاربردی آموزه‌های اخلاق نقلی برای مقاوم‌سازی خانواده مورد توجه قرار نگرفته است. این مقاله با تمرکز بر این مهم و همچنین تمحض بر ایمان و کفر کتاب شریف الکافی تلاش دارد تا راهکارهایی عملی برای خانواده‌های معاصر ارائه دهد.

روش تحقیق این مطالعه تحلیلی و توصیفی با رویکرد اسنادی-کتابخانه‌ای و استنباطی-تفسیری است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه و استخراج مفاهیم از منابع حدیثی شیعه، به‌ویژه کتاب ایمان و کفر از الکافی گردآوری شده‌اند. نویسنده به شناسایی گزاره‌های مرتبط با مؤلفه‌های خانواده مقاوم (نظیر صبر، قناعت، انسجام ارزشی، حمایت متقابل و ...) پرداخته و سپس این مفاهیم را در قالب مبانی نظری خانواده مقاوم بازسازی کرده است. روش پژوهش کیفی است و به جای آزمون فرضیه‌ها، به تبیین مفاهیم و بازسازی نظری بر اساس متون دینی می‌پردازد. اعتبار نتایج از طریق مقایسه‌ی تطبیقی مفاهیم استخراج‌شده با یافته‌های پژوهش‌های پیشین و انسجام منطقی درون‌متنی تأمین شده است.

بدنه‌ی اصلی این مقاله با رویکردی مرحله‌محور و منسجم طراحی شده است تا روند منطقی مقاوم‌سازی خانواده از سطح مبانی نظری تا کنش‌های عملی را تبیین نماید. بدین منظور، مقاله در سه بخش اساسی سامان‌یافته است که هر یک مکمل دیگری است و در مجموع، چهارچوبی کارآمد برای فهم و تقویت بنیان خانواده را در برابر تهدیدات اخلاقی فراهم می‌سازند. نخست،

۱- گروهی از محققان: چگونه خانواده خود را مقاوم کنیم؟؛ تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی، ۱۳۹۴ ش.

۲- عبدالمحمّد بن‌چناری، حسین و لیلا همایون فرد؛ «تحلیلی از رابطه‌ی ارزش‌های اخلاقی و تحکیم خانواده از منظر قرآن و سنت»؛ معرفت، دوره ۳۲، شماره ۱، ۱۴۰۲ ش.

۳- مرادی نسب، منیره؛ «نقش آموزه‌های دینی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده»؛ بیست و دومین کنفرانس ملی روان‌شناسی، علوم تربیتی و اجتماعی، بابل، ۱۴۰۳ ش. <https://civilica.com/doc/۲۰۰۳۷۷۳>

۴- نوربخش، یونس و قاسم اویسی فردویی؛ «دین‌داری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران)»؛ بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۱، ۱۳۹۵ ش. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/۱۰.۲۲۰۵۹.۲۰۱۶.۶۰۲۰۴.ijspp

۵- احمدی نوده، خدابخش؛ «بررسی رابطه‌ی بین اعتقادات دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده»؛ مجله علوم رفتاری، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۸۶ ش. <https://sid.ir/paper/fa/۱۲۹۷۱/SID>

در بخش راهکارهای معطوف به مبانی مقاوم‌سازی خانواده، به تبیین زیرساخت‌های نظری این مفهوم پرداخته شده است. این بخش با تمرکز بر مبانی دین‌شناختی و انسان‌شناختی، به بررسی اصول بنیادینی همچون ایمان، توحید، معاد، مسئولیت‌پذیری، فطرت و کرامت انسانی می‌پردازد. این مبانی شالوده‌ی فکری و اعتقادی خانواده‌ای مقاوم را تشکیل می‌دهند و نقش زیربنایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی دارند. در گام دوم، مقاله به راهکارهای سلبی و منفعلانه می‌پردازد. این دسته از راهکارها جنبه‌ی پیشگیرانه دارند و تمرکز آن‌ها بر مصون‌سازی خانواده از آسیب‌های اخلاقی و انحرافات رفتاری است. پرهیز از محیط‌های ناسالم، کنترل روابط، نظارت تربیتی و پالایش زمینه‌های لغزش اخلاقی از جمله مواردی هستند که در این بخش مورد توجه قرار گرفته‌اند. عملکرد این راهکارها در مقام یک سپر دفاعی عمل می‌کند و خانواده را در برابر تهدیدات بیرونی محافظت می‌نماید. درنهایت، بخش سوم مقاله به راهکارهای ایجابی و فعال اختصاص یافته است. در این بخش، تمرکز بر اقداماتی است که فراتر از پیشگیری، به فعال‌سازی ظرفیت‌های درونی خانواده برای مواجهه‌ی سازنده با تهدیدات می‌پردازند. این راهکارها با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی و معرفتی، زمینه‌ی ارتقای آگاهی، افزایش همبستگی، تقویت ایمان عملی و نهادینه‌سازی ارزش‌ها را در خانواده فراهم می‌آورند. رویکرد این بخش نه صرفاً مقابله با تهدید، بلکه تبدیل تهدید به فرصت تربیتی و زمینه‌ای برای رشد اخلاقی اعضای خانواده است. چنین ساختار سه‌لایه‌ای به مقاله انسجام محتوایی بخشیده و امکان تحلیل جامع مسئله‌ی خانواده‌ی مقاوم را در سطوح نظری، پیشگیرانه و سازنده فراهم ساخته است.

۲- راهکارهای معطوف به مبانی مقاوم‌سازی خانواده

در این بخش از مقاله، برخی راهکارهای ناظر به مبانی دین‌شناختی و انسان‌شناختی را طرح می‌کنیم. «مبنا» به معنای اصل، پایه، یا زیربنایی است که اساس و بنیاد یک موضوع را تشکیل می‌دهد. این واژه معمولاً برای اشاره به مفاهیم و اصولی استفاده می‌شود که برای فهم و تحلیل دقیق‌تر یک موضوع ضروری و بنیادی هستند. مبانی به‌عنوان نقطه‌ی شروع برای تبیین و بررسی یک مبحث به‌کار می‌روند و ساختار اصلی آن مبحث را شکل می‌دهند. ویژگی‌های مبانی عبارت‌اند از: ۱. اصلی و بنیادین: مبانی معمولاً به مفاهیمی اشاره دارند که در درک یا تحلیل یک موضوع یا پدیده نقشی اساسی دارند. بدون شناخت مبانی، درک صحیح و کامل آن موضوع ممکن نیست؛ ۲. پایه‌گذار تفکر و تحلیل: مبانی اصولی هستند که تفکر یا تحلیل در یک زمینه‌ی خاص بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد؛ برای مثال، مبانی فلسفی، مبانی دینی یا مبانی علمی می‌توانند نقطه‌ی شروعی برای نظریه‌پردازی و تحقیق در هر یک از این زمینه‌ها باشند؛ ۳. نظری و ساختاری: مبانی معمولاً به‌صورت نظری بیان می‌شوند و بر مفاهیم و ساختارهایی تأکید می‌کنند که در تحلیل و بررسی یک موضوع اهمیت دارند. این مفاهیم و ساختارها به‌طور مستقیم به شیوه‌های تفکر و تحلیل مرتبط با آن زمینه اشاره دارند.

۳- مبانی دین‌شناختی

در مقاومت‌سازی کدام‌یک از عناصر، فرایض و مناسک دینی اهمیت بیشتری دارند؟ عناصر اصلی دین کدام هستند؟ بر کدام عنصر باید مقاومت و ایستادگی کرد؟ خانواده ارزشی و مؤمن باید بر حفظ ظاهر و کمیت رفتارها تأکید کند یا باطن و کیفیت اعمال انسان؟ داشتن تصویر درستی از دین و ارزش‌ها مسیر مقاومت را روشن می‌کند.

گاه نداشتن تصویر درست از دین و ارزش‌های اخلاقی سبب سردرگمی افراد، والدین و مربیان می‌شود؛ برای مثال، تأکید بیش‌ازحد بر ظاهر افعال موجب بی‌توجهی به باطن می‌گردد و یا موجب دل‌زدگی فرد از دین می‌شود. شناخت درست از دین و ارزش‌ها نیمی از مسیر شناخت راهکارها را روشن می‌کند.

۳-۱- عناصر اصلی دین (راهکار سرمایه‌گذاری بر ارزش‌های اصلی و اولویت‌سنجی)

در موقعیت تهدید لازم است ابتدا حداقل‌هایی که باید حفظ و مواظبت یا ترویج و مقاومت‌سازی شود، مشخص گردد. درباره‌ی اینکه کدام عنصر و ارزش‌ها حداقل‌های لازم هستند، در روایات اختلاف وجود دارد؛ اما جمع آن‌ها می‌تواند حداقل‌هایی باشد که یک خانواده و فرد باید بر آن‌ها مواظبت و مقاومت کند.

عناصر اصلی دین در روایات این‌گونه بیان شده است:

- الف. نماز و زکات و روزه و حج و ولایت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸)؛
 - ب. دوستی و محبت در راه خدا و دشمنی و بغض در راه خدا (همان، ص ۱۲۵ و ۱۲۷)؛
 - ج. راست‌گویی و رد امانت و حیا و حسن خلق (همان، ص ۹۹)؛
 - د. راست‌گویی، شکر، حیا و حسن خلق (همان، ص ۵۷)؛
 - ه. صبر، یقین، عدالت، جهاد (همان، ص ۵۰)؛
 - و. ادای امانت، وفای به عهد و پیمان و احسان به پدر و مادر (همان، ص ۱۶۲).
- جمع عناصر مذکور در این روایات را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

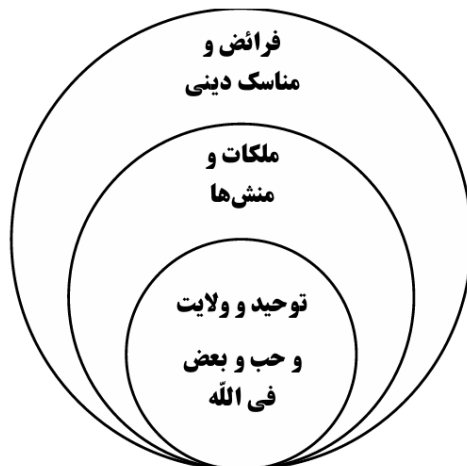
جدول ۱: عناصر اصلی دین و ایمان

عقیدتی/فکری		عاطفی		منشی(ملکات)			گنشی(فرائض)		
توحید		حب فی الله		صبر	عدالت	حیاء	حسن خلق	نماز	روزه
ولایت				امانتداری	صداقت	تقوا	یقین	حج	زکات

آنچه در اینجا می‌توان به‌عنوان جمع‌بندی مطرح کرد، این است که انسان مقاوم باید اهتمام و تأکید خود را بر حفظ چند چیز به‌عنوان حداقل‌ها بگذارد؛ ۱. توحید و ولایت و حب و بغض در راه خدا؛ ۲. مکارم اخلاقی به‌ویژه مکارم اصلی؛ ۳. فرایض و مناسک، به‌ویژه آنچه ذکرش گذشت. این جمع هم شواهد عقلی و هم نقلی دارد. شواهد عقلی مانند اینکه افکار و عقاید و عواطف

ملکات را می‌سازند و ملکات ریشه‌های افعال ظاهری هستند؛ در نتیجه، هرکدام نسبت به دیگری اولویت هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی دارند.

شکل ۱: نظام عناصر دین و ایمان



اهمیت عناصر اصلی و حلقات درونی دین به ما کمک می‌کند تا در مقاوم‌سازی اولویت‌سنجی کنیم. قرار است در تربیت خانواده مقاوم چه چیزی را فدای چه چیزی کنیم؟ آنچه در جدول شماره ۱ بیان شده است، مطابق روایات الکافی اصل و هسته‌ی سخت دین هستند؛ اما شکل شماره ۱ به ما می‌گوید، اگر قرار شد به‌ناچار دست به انتخاب یکی بزنیم، کدام را در اولویت قرار دهیم. آیا اصرار بر مناسک می‌ارزد که توحید و ولایت و حب و بغض الهی را در افراد خانواده فدا کنیم؟ در جامعه‌ی کنونی مشاهده می‌شود، بسیاری از خانواده‌های مذهبی برای حفظ شکل مناسکی دین، درون افراد را از محبت دین و خدا و ولایت خالی می‌کنند. در مقاوم‌سازی باید حداقل‌ها و هسته‌ی سخت دین را لحاظ کرد و باید برای دوره‌ها و دشواره‌ها تدبیری اندیشید که کدام‌یک را در اولویت قرار داد.

۲-۳- اهمیت کیفیت عمل (راهکار میانه‌روی در رفتار و مناسک ظاهری)

در موقعیت تهدید، بسیار مهم است نقاط مهم پافشاری یا به تعبیر دیگر، نقاط ثقل اسلام روشن شود. یکی از آن‌ها فهم نقطه‌ی ثقل در میان کمیت یا کیفیت عمل است. در تفسیر قول خدا «لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲)، امام صادق (ع) فرمود: «مقصود از کردار بهتر، کردار بیشتر نیست؛ اما کردار درست‌تر است. درستی کردار ترس از خدا است و به قصد پاک و خوش کرداری؛ سپس فرمود: کرداری را تا به آخر پاک و بااخلاص نگاه‌داشتن از خود آن کردار سخت‌تر است. کردار پاک آن است که مقصودت از آن ستایش احدی جز خدا عزوجل نباشد. نیت بهتر است از کردار. آگاه باشید خود نیت هم کرداری است؛ سپس خواند قول خدای عزوجل را «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ

عَلَى شَاكِلَتِهِ» (اسرا: ۸۴) یعنی بر نیت خود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶).

مطابق روایت بالا، اهمیت درجه‌ی اول در عمل کیفیت و خصوصیات درونی عمل است و نه کمیت آن. راهکار مهمی که در دل توجه به کیفیت رفتار ارزشی و عبادی وجود دارد، میانه‌روی در اعمال و رفتار عبادی و مناسکی است. در انجام اعمال و مناسک ظاهری، باید خودمان و اطرافیان را به میانه‌روی توجه دهیم.

امامان معصوم^(ع) در تربیت فرزندان خود بر میانه‌روی در عبادات ظاهری بسیار تأکید کرده‌اند. امام صادق^(ع) حکایت می‌کند: «من در طواف بودم که پدرم بر من گذشت. من جوان بودم و در عبادت کوشا. پدرم مرا دید که عرق از من سرازیر است، به من فرمود: ای جعفر ای پسر جان! همانا چون خدا بنده‌ای را دوست دارد، او را به بهشت درآورد و با عمل اندک از او راضی شود» (همان، ص ۸۶). در روایت مشابه، امام باقر^(ع) به امام صادق^(ع) اضافه بر این، امر به تعدیل رفتار هم می‌کند: «ای پسر، این‌گونه عمل نکن [به خودت سخت نگیر]» (همان، ص ۸۷)

عبادات و مناسک ظاهری دین به‌گونه‌ای است که ممکن است بر بدن و نفس انسان گران افتد، به طوری که دیگر تمایل به آن نداشته باشد؛ به همین علت، ائمه^(ع) بسیار تأکید کردند که نباید خود را در عبادت خسته نمود، به نحوی که از آن زده شد. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «عبادت را مکروه خود ندارید» (همان، ص ۸۶). پیامبر اعظم^(ص) در کلامی به امام علی^(ع) می‌فرماید: «ای علی! همانا این دین متین و محکم است، در او با نرمی وارد شود و عبادت پروردگارت را مبعوض خود مگردان؛ زیرا خسته‌کننده‌ی مرکب- یعنی کسی که در راندن مرکب زیاد روی کرده- نه مرکب باقی گذاشته و نه مسافت پیموده است» (همان، ص ۸۷).

راهکار مهمی که از این مبنا حاصل می‌شود، همچنان که روایات بر آن تأکید دارند، میانه‌روی است. میانه‌روی در اعمال ظاهری که در مرتبه‌ی بعد از درون انسان قرار دارند، باعث دوام و استمرار آن‌ها خواهد شد و نه بریدن و پس زدن.

۴- مبانی انسان‌شناختی

در روایات، انواع مختلفی از انسان‌ها و مؤمنان معرفی شده‌اند که شناخت این گونه‌ها تأثیر مستقیمی بر انتخاب راهکارهای مناسب درباره‌ی مقاومت دارد. گاهی نیازی نیست برای فردی دلسوزی کنیم یا او را به مقاومت تشویق نماییم؛ اما در موارد دیگر، باید همه‌ی تلاش خود را برای تقویت استقامت و پایداری او به کار بگیریم. در ادامه، برخی از این گونه‌ها همراه با تأثیرات آن‌ها بر راهکارهای مقاومت بیان شده است.

۴-۱- توجه به طینت افراد و اراده‌ی الهی (استثنای خانواده از این عموم)

در برخی روایات کتاب ایمان و کفر، ذیل ابوابی چون «طینة المؤمن و الکافر»، «أَنَّ اللَّهَ إِمَّا يَعْطِي الدِّينَ مَنْ يَحِبُّهُ» و «أَنَّ اللَّهَ إِمَّا يَعْطِي الدِّينَ مَنْ يَحِبُّهُ»، بحث تأثیر طینت افراد و اراده‌ی الهی بر هدایت و ضلالت انسان‌ها مطرح شده است. گویی ما انسان‌ها آن‌چنان‌که باید و شاید

اختیار نداریم و طینت و اراده‌ی الهی عامل اصلی و مهم در هدایت و ضلالت افراد است و مقاومت کردن یا نکردن ما تأثیر آن‌چنانی نخواهد داشت. کسی که از طینت بهشت خلق شده باشد و خواست خداوند بر هدایت او باشد، مؤمن می‌گردد و کسی که از طینت آتش خلق شده باشد و خداوند ضلالت او را بخواهد، کافر می‌شود (همان، ص ۳).

اهمیت این دست از روایات در بحث راهکارهای مقاوم‌سازی به این سبب است که در صورت پذیرش مدلول ظاهری این روایات، تلاش برای مقاوم‌سازی خود و اطرافیان در موقعیت تهدید امری بیهوده خواهد بود؛ زیرا به‌نوعی جبر طینت و اراده‌ی الهی افراد را به‌سوی آنچه بر آن اساس خلق شده، می‌کشد و مقاومت کردن یا نکردن امری بیهوده است.

مضامین مشابه و همسو با این روایات را در الکافی می‌توان یافت. روایاتی که به افرادی که دغدغه هدایت دارند، اطمینان می‌دهد که اگر قرار باشد، کسی هدایت شود (همان، ص ۱۳). این روایات در ذیل بابی با عنوان «كُونِ الْمُؤْمِنِ فِي صُلْبِ الْكَافِرِ» آمده است. این دست از روایات به آرامش خاطر سرپرستان و هدایتگران کمک می‌کند که اضطراب و دغدغه‌ای بیشتر از آنچه لازم است نداشته باشند و بدانند حتی در بدترین شرایط و احوال، خداوند خود حافظ و کمک‌کننده‌ی مؤمنان است.

این روایات توسط شارحان کتاب الکافی مورد بررسی و نقد سندی و دلالی قرار گرفته است؛ برخی اغلب روایات را ضعیف دانسته‌اند و به لحاظ سندی قابل‌اعتنا ندانسته‌اند و در موارد اندکی نیز که سند اعتبار نسبی داشته است، به علت مخالفت با مسلمات دینی و مذهبی رد کرده‌اند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۴). برخی دیگر در جهت تأویل، وجوهی را به نقل یا از جانب خود طرح کرده‌اند: ۱. فهم نکردن معنای این روایات و درعین حال ایمان اجمالی به آن شبیه آنچه اخباریان می‌گویند؛ ۲. حمل روایات بر تقیه؛ ۳. منظور علم خدا به انتخاب بندگان است؛ ۴. روایات کتابه از اختلاف استعداد و قابلیت است و نه جبر آن‌ها؛ ۵. در عالم ذر اختیار حقیقی بوده و در این عالم، طینت فرد بر اساس انتخاب عالم ذر او ایجاد شده است (مصطفوی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۷). به‌ویژه حمل این روایات بر تقیه بسیار محتمل است؛ چه به لحاظ زمان صدور که دوران تقیه بوده است و چه به لحاظ ادبیات به‌کاررفته در آن و چه به لحاظ مخالفتی که با اصل مسلم اختیار و روایات امر به معروف و نهی از منکر دارد. مسلم است که این روایات نباید بهانه‌ی رها کردن هدایت و مقاومت باشد.

نکته‌ی حائز اهمیت که در این بحث وجود دارد، وظیفه‌ی ما نسبت به خانواده است؛ زیرا حتی اگر اخذ به ظاهر روایات بالا بکنیم، باز نسبت به خانواده مسئول هستیم. در روایتی که در همین فضا از امام^(ع) صادر شده است، امام^(ع) خانواده و اهل‌و عیال را از عموم بالا تخصیص زدند؛ یعنی در زمان تقیه نیز نباید هدایت و مقاوم‌سازی خانواده را رها کرد. ایشان در پاسخ سلیمان بن خالد که می‌پرسد: من اهل خانه‌ای دارم که حرف‌شνοι از من دارند، آیا آنان را به این امر (ولایت) دعوت کنم؟ حضرت صادق^(ع) می‌فرماید: «بله» و بعد این آیه را تلاوت می‌کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۱). در این روایت

از امام صادق^(ع) صادر شده که روایات پیشین هم از ایشان صادر شده بود؛ در نتیجه، زمان صدور تفاوتی ندارد و این نشان می‌دهد حتی در زمان تقیه، مسئولیت ویژه‌ی ما نسبت به خانواده کنار نمی‌رود. البته همین روایت نیز مقید به اطاعت و حرف‌شنوی اهل‌و عیال از فرد است. در جلد ششم الکافی سه روایت نقل شده که ناظر به مسئولیت ما نسبت به افراد خانواده و هدایتگری آنان در امور دینی است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۶۲)؛ در نتیجه، روایات ابتدای این بخش را نباید مستمسکی برای رها کردن خانواده خود، تربیت و مقاومت‌سازی آنان قرار داد. البته همه‌ی انسان‌ها منحصر در مؤمن و کافر طینتی نیستند و در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۴- مؤلفه قلب، مستضعف و معار (راهکار حمایت، آگاهی‌بخشی و اصرار بر دعا)

چند دسته افراد در روایات ذکر شده‌اند که به‌روشنی مؤمن و کافر نیستند و در جایی میان ایمان و کافر منزل کردند: مؤلفه قلب، مستضعفین و معارین. به نظر می‌رسد در بحث مقاومت‌سازی به این دست افراد بیش از کسان دیگر باید توجه کرد.

۱-۲-۴- مؤلفه قلب

مؤلفه قلب به پنج دسته اطلاق می‌شود:

- کافرانی که به‌منظور مسلمان شدن به آنان کمک مالی می‌شود؛
- مسلمانانی که از نظر اعتقادی ضعیف هستند. به آن‌ها کمک می‌شود تا ایمانشان قوی گردد؛
- مسلمانانی که همسایه‌ی کافر دارند که با دادن زکات به آنان، کافران همسایه به اسلام آوردن تشویق می‌شود (به سبب پی بردن به برنامه‌ی اسلام)؛
- کسانی که در مرزهای کشور اسلامی سکونت دارند (اعم از مسلمان و کافر). اگر به آنان زکات داده شود، مرزها را محافظت می‌کنند؛
- کافرانی که با دادن زکات به آنان، نظرشان برای شرکت در جهاد به همراه مسلمانان جلب می‌گردد (از آنان تنها در جنبه‌ی نظامی استفاده می‌شود) (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۳۴۱؛ شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۵).

سه نوع اول مؤلفه قلب داخل در بحث ما است. در روایتی، وضعیت مؤلفه قلب این‌گونه ترسیم شده است که این‌ها کسانی هستند که از شرک خارج شدند؛ اما هنوز معرفت پیامبر^(ص) وارد قلب آنان نشده است و این بر پیامبر^(ص) و مؤمنان است که با جذب آنان، این معرفت را در قلب آنان وارد کنند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۱۲). در برخی روایات، به کثرت این افراد اشاره شده است (همان) و همین امر موجب اهمیت آنان می‌شود.

مؤلفه قلب برای مقاومت‌سازی نیاز به حمایت مالی و معنوی دارند و راهکار مقاومت‌سازی آنان جذب ایشان به طریق‌های ممکن و مشروع است؛ اعم از اینکه مالی به آنان پرداخت شود یا محبت و حمایت معنوی از آنان شود. عرضه‌ی دین و ارزش‌ها به این افراد به‌تنهایی رانه و محرکی برای ایمان‌آوری و یا حفظ آن نیست، بلکه نیاز به رانه‌های دیگری دارند که متناسب با شخصیت

و علائق هر فرد ممکن است، متفاوت باشد. مال و ثروت رانه‌ای است که در ابتدای اسلام بسیار شایع بود؛ اما ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های دیگر، با توجه به نیازهای عمومی رانه‌ها متفاوت شوند.

۴-۲-۲- مستضعف

مستضعف اقسامی دارد: مستضعف اقتصادی، سیاسی و معنوی. مستضعف اقتصادی مفهومی شبیه فقر است، با این تفاوت که فقر به او تحمیل شده است. مستضعف سیاسی کسانی هستند که در اجتماع و به‌واسطه‌ی دولت تحت سلطه قرار گرفتند که بیشتر استعمالات قرآنی و روایی معطوف به این قسم است؛ اما آنچه در اینجا منظور است مستضعف معنوی است و منظور کسی است که نه راهی به کفر دارد و نه راهی به‌سوی ایمان (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۸۶). در کتاب ایمان و کفر از این مستضعف یاد شده است؛ «او کسی است که راهی به کفر ندارد که کافر شود و راهی به ایمان نیابد (تا مؤمن گردد)» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۰۴).

اما اینکه چگونه می‌توان میان مردم عادی و مستضعف تفاوت گذاشت، در روایت دیگری ملاک استضعاف معنوی این‌گونه بیان شده است: «هر که اختلاف مردم را در دین بفهمد مستضعف نیست» (همان، ص ۴۰۵). فهم شارحان الکافی این است که کسی که ریشه‌ی اختلاف مردم را در دین و مذهب درک کند، نه صرفاً متوجه اختلاف شود، عقلاً و شرعاً موظف به تحقیق و تبعیت از حق است؛ بنابراین، چنین کسی دیگر مستضعف نیست (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۲۱۲؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۰، ص ۲۱۰۴). در روایتی مشابه روایت بالا آمده است، کسی که به او حجت و دلیل برسد، دیگر مستضعف نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۲۵).

اولین گام در مقاوم‌سازی انسان‌های مستضعف، خروج از استضعاف با آگاهی‌بخشی و توان استدلال ایجاد کردن است. در هر خانواده‌ای لازم است که فرزندان خود را از استضعاف خارج کند، به‌ویژه که کودکان یکی از مصادیق مستضعف در روایات ذکر شده‌اند (همان، ص ۴۰۴). امام علی^(ع) می‌فرماید: «به کسی که دلایل را با گوشش شنیده و با قلبش درک کرده است، مستضعف گفته نمی‌شود» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۸۹). برخی روایات دیگر نیز به التزام دلالت بر این مطلب دارند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۰۵).

در دنیای مدرن، با استضعاف مدرن مواجه هستیم. این استضعاف ناشی از کمی اطلاعات نیست، بلکه ناشی از کثرت اطلاعات واردشده، درهم شدن اطلاعات نادرست و درست، کم‌عمق شدن مخاطب و تضعیف قوه‌ی تحلیل جامعه است. رفع این استضعاف و مقاوم‌سازی در مقابل آن تنها به کمک سوادهای مختلف از سواد رسانه و ارتباطات گرفته تا سواد اخلاقی ممکن است. فرزندان و کودکان هم باید مجهز به اطلاعات و داده‌های دینی غنی و صحیح شوند و هم باید توان استدلالی و گفت‌وگویی آنان بالا برود.

۴-۲-۳- معارین

معار کسی است که دین او عاریه‌ای است و خداوند ایمان را از او می‌گیرد و در حال کفر از دنیا می‌رود (همان، ص ۴۱۷ و ۴۱۸). علامت معارین این است که قولشان با عملشان یکی نیست (همان، ص ۴۱۹)

راهکار مقاومت بر ایمان در این افراد دعا است. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «برخی از ایشان کسی است که ایمانش عاریتی است؛ پس اگر دعا کند و در دعا اصرار ورزد، با ایمان بمیرد» (همان). ترغیب افراد به دعا کردن و اصرار در آن و دعا کردن همه‌ی افراد نزدیک و خانواده برای یکدیگر یکی از راهکارهای مقاوم‌سازی خود و خانواده در این مورد است، به‌ویژه در زمان غیبت، این دعا برای تثبیت ایمان توصیه‌شده است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّتُ عَنْ دِينِي» (همان، ج ۱، ص ۳۳۷).

به‌طورکلی، دعا یکی از اموری که در سختی‌ها به آن توجه داده‌شده است. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «سه چیز است که با وجود آن‌ها چیزی به فرد ضرر نمی‌رساند: [یکی از آن‌ها] دعا در سختی است و...» (همان، ج ۲، ص ۹۵)؛ درنتیجه، چه معارین و چه غیر آنان نیاز مبرم به دعا در سختی‌ها دارند.

راهکار دعا را هرچند در ذیل بحث معارین مطرح کردیم؛ اما اختصاصی به معارین ندارد. همه برای حفظ ارزش‌های ایمانی و خانوادگی خود نیازمند دعا و التجا به‌سوی خداوند هستند. بر اساس توضیحاتی که در ادامه خواهد آمد، راهکار دعا راهکاری میان راهکارهای سلبی و ایجابی خواهد بود؛ زیرا هم دعا به حفظ خود و خانواده منجر می‌شود و هم ظرفیت تغییر جامعه و تغییر مسیر آن را دارد. بر اساس آموزه‌های دینی و مفاهیم قرآنی، دعا می‌تواند در سرنوشت فرد و جامعه تأثیرگذار باشد. در قرآن کریم و روایات اسلامی، دعا به‌عنوان یکی از وسایل تغییر شرایط و حل مشکلات معرفی‌شده است. فرد یا جامعه‌ای که دچار مشکل است، با درخواست از خداوند می‌تواند امید به رهایی از مشکل و تغییر در وضع خود داشته باشد؛ مثلاً در آیه‌ی ۱۸۶ سوره‌ی بقره خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ؛ و هنگامی‌که بندگانم از تو درباره من پرسند، پس [بدانند که] من نزدیکم و دعای دعاکننده را هرگاه مرا بخواند، اجابت می‌کنم»؛ همچنین در سیره‌ی پیامبر^(ص) و اهل‌بیت^(ع)، دعا به‌عنوان ابزاری برای ایجاد تغییر در سرنوشت فردی و اجتماعی مورد توجه بوده است. دعا برای نزول باران (نماز استسقاء)، دفع بلاها، پیروزی در نبردها و اصلاح امور جامعه از نمونه‌های تاریخی تأثیر دعا در جامعه است. البته در اسلام، دعا همراه با عمل و تلاش برای تحقق آن توصیه‌شده است و یکی از دعاهای غیرمستجاب دعایی است که فرد تلاشی برای تحقق آن نکند (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۹۹)؛ یعنی جامعه‌ای که برای تغییر شرایط خود تلاش کند و در کنار آن از دعا به‌عنوان نیروی معنوی بهره‌بردار، شانس بیشتری برای تغییر و بهبود وضعیت خود دارد. در حقیقت، دعا را می‌توان

طبق این توضیح، راهکار حامی دانست که در میانه‌ی راهکارهای سلبی و ایجابی قرار می‌گیرد. دعا راهکاری حامی است؛ زیرا در عرض دیگر راهکارها نیست و به کمک و حمایت آن‌ها می‌آید و راهکاری میانه است؛ به این معنا که نه سلبی است؛ به این معنا که به دنبال تغییر جامعه نباشد و نه ایجابی به‌طور کامل که تنها وقف تغییر اجتماع و روند کلی جامعه باشد.

۳-۴- اختلاف ظرفیت‌های ایمانی (راهکار تکلیف به اندازه‌ی ظرفیت)

در مقاومت‌سازی خود و اطرافیان و خانواده باید به ظرفیت‌ها توجه ویژه‌ای کرد. ممکن است برخی افراد در سطحی بتوانند مقاومت کنند و برخی دیگر در سطح دیگر. این سطوح و ظرفیت‌ها در روایات طرح شده است. امام صادق^(ع) در ضمن روایتی ایمان را دارای هفت بخش می‌داند که عبارت‌اند از: نیکی، راست‌گویی، یقین، رضا، وفاداری، علم و حلم و در ادامه ایشان می‌فرماید: «به آن کس که یک سهم دارد، دو سهم را تحمیل نکنید و آن کس که دو سهم دارد، بیشتر را تحمیل نکنید تا بر آنان سنگین آید و در تحمل آن وامانده شوند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۲). این روایت و روایات مشابه آن با طرح ظرفیت‌های مختلف، ما را به این نکته توجه می‌دهند که شیوه، سطح و راهکارهای مقاومت‌سازی در افراد مختلف باید لحاظ گردد و تحمیل یک روش، یک سطح و یک راهکار واحد برای همه امکان‌پذیر نیست و حتی ممکن است منجر به مقاومت نکردن و شکنندگی آنان شود.

جدول ۲: راهکارهای ناظر به مبانی مقاومت

راهکارهای ناظر به مبانی					
مبانی انسان‌شناختی			مبانی دین‌شناختی		
توجه به ظرفیت افراد در تکالیف	دعا	آگاهی بخشی	حمایت مالی و معنوی	توجه به کیفیت عمل و میانه‌روی در اعمال ظاهری	شناخت عناصر اصلی دین و اولویت‌بندی در مقاومت

۱-۳-۴- راهکارهای سلبی و منفعلانه

راهکارهای مقاومت‌سازی را به دو دسته‌ی سلبی و ایجابی می‌توان تقسیم کرد. راهکارهای سلبی شامل رفتارها و سیاست‌هایی هستند که موجب عدم تأثیرپذیری از جامعه‌ی تهدید می‌شوند. این راهکارها به هدف اثرگذاری بر موقعیت تهدید و تغییر آن اعمال نمی‌گردند. البته ممکن است بر جامعه‌ی تهدید اثر بگذارند؛ اما جزو اهداف اولیه‌ی آن نیست.

۱-۱-۳-۴- صبر

راهکار کانونی برای مقاومت‌سازی خود و اطرافیان ایجاد فضیلت صبر است. خداوند متعال راهکار گذر از آزمایش‌هایی همچون ترس، گرسنگی، نقص در اموال، جان و ثمرات را آویختن به

ریسمان صبر بیان می‌کند: «ما به‌طور حتم و بدون استثناء همگی شما را یا با خوف و یا گرسنگی و یا نقص اموال و جان‌ها و میوه‌ها می‌آزماییم و تو ای پیامبر صابران را بشارت ده» (بقره: ۱۵۵). پیامبر اکرم^(ص) در روایتی با اشاره به سه خصوصیت آخرالزمان - که عبارت‌اند از: ۱. گرفتن حکومت با خون‌ریزی و زور، ۲. ثروت‌اندوزی با غصب و بخل و ۳. شکل گرفتن دوستی‌ها با خروج از دین و تبعیت از هوای نفس، این‌گونه توصیه می‌کند: «کسانی که این زمان را درک کنند، باید بر سه چیز صبر نمایند: ۱. صبر بر فقر، هرچند قادر بر ثروتمندی است؛ ۲. صبر بر دشمنی مردم، هرچند می‌تواند محبت آنان را کسب کند؛ ۳. صبر بر فرودستی، هرچند می‌تواند عزیز باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۱). امام صادق^(ع) می‌فرماید: «مؤمن سزاوار است هشت خصلت را داشته باشد... و قار سنگینی در فتنه‌های لرزه بر اندام انداز (هزاهز) و صبر در هنگام بلا» (همان، ص ۴۷)

فضیلت صبر کلید اصلی مقاوم‌سازی است که باقی راهکارها یا یکی از انواع صبر به حساب می‌آیند و یا صبر یکی از مقدماتشان است؛ برای مثال، راهکارهایی همچون حفظ زبان و کظم غیظ به‌نوعی صبر به حساب می‌آیند و راهکارهایی چون تحکیم روابط و ایجاد عزت مشروط به صبر هستند.

چرا صبر راهکار کلیدی است؟ در دنیای معاصر با توجه به فشارهای جامعه و رسانه بر خانواده و فرزندان، تن دادن به تبلیغات و همسو شدن با جامعه امر خوشایند و دست‌کم راحت‌تر از مخالفت و ناهم‌رنگی با جامعه است. انسانی که صبر نداشته باشد، به اقتضای طبع خود، به سوی جریان غالب کشیده خواهد شد؛ اما کسی که به تغییر احوال و گشایش امید دارد، می‌تواند از خود تحمل در مقابل فشارها و ناخوشی‌ها نشان دهد. اساس مقاومت و ایستادگی همین تحمل در مقابل فشارها به امید گشایش در امور است. مقاومت بدون صبر و تحمل قابل‌تصور نیست. ممکن است برخی صبر را بیان دیگری از استقامت بدانند. استقامت به لحاظ معنایی ملازم با طریق است و در ریشه، به راهی گفته می‌شود که هموار و استوار باشد. مسیر حق چون هموار و استوار است، به راه مستقیم تشبیه شده است. انسان با استقامت خود را مُلَزَم به طی کردن راه حق می‌کند که هموار و استوار است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۹۲)؛ همچنین گفته شده است، استقامت مداومت بر سنت واحد است و ضد آن اعوجاج است (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۱۴۹)؛ در نتیجه، صبر علت استقامت است، نه خود آن. ملازمت بر راه حق و نداشتن اعوجاج در آن نیاز به صبر در مقابل امور ناخوشایند دارد.

خانواده و مربی که نتوانند در فرزندان و متریبان فضیلت صبر را نهادینه کنند، نمی‌توانند از آنان استقامت بر حق و مقاومت در مقابل باطل را طلب کنند. اگر ایمان ملازم با ابتلا و امتحان دشوار است و اگر سربلندی در ابتلا و امتحان نیاز به استقامت دارد و اگر رکن اصلی استقامت صبر است؛ پس در نتیجه، کسی که صبر ندارد، نباید انتظار ایمان از او داشت. اینکه در روایات مکرر آمده، «صبر سر ایمان است» و «کسی که صبر ندارد، ایمان ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۷ و ۸۹)، سرّش در همین نکته است که ایمان محفوف به سختی و ابتلا است و داشتن صبر شرط اول پیروزی در

آن است.

در این تربیت تنها نباید بر صبر در مقابل مکروهات اکتفا کرد. فرزندان باید بیاموزند برای عبادت و ترک حرام نیز نیاز به صبر است. تبلیغ بیش از حد این نکته که عبادت و ترک حرام شیرین است، ممکن است فرزندان و خانواده را در این اشتباه فروبرد که نیاز به صبر بر آن‌ها نیست. حال آنکه این امور از سنخ تکلیف هستند و تا فرد واقعاً عشق به خدا و وظایف خود پیدا نکند، برای انجام آن‌ها دچار کُلفت و سختی خواهد شد. خانواده باید بداند که مؤمن بودن و انجام فرایض و ترک محرّمات حداقل در مراحل برای آنان سخت خواهد بود و تا صبر نکنند، گشایش مدنظر پدید نخواهد آمد.

یکی از عوارض دنیای مدرن افزایش بی‌حد و حصر امور رفاهی است که انسان‌ها را کم‌تحمل می‌کند. باید به خود و خانواده آموخت، یافتن امور قیمتی حتی در این روزگار نیز با تلاش و کوشش حاصل می‌شود. متأسفانه یکی از مشکلات معلمان امروزه تمرکز نداشتن دانش‌آموزان در کلاس است. دانش‌آموزان به سبب استفاده از تلویزیون و رسانه‌های تصویری که مفاهیم را به صورت لذت‌بخش به فرد منتقل می‌کنند، نمی‌توانند مرارت و سختی نشستن در کلاس و گوش دادن به معلمان را تحمل نمایند. در گفت‌وگوها می‌بینیم که افراد حوصله‌ی گوش دادن به استدلال‌ها ندارند و می‌خواهند سریع مطالب را بفهمند، هرچند خام و کم‌عمق. نیکلاس کار در کتاب خود با عنوان کم‌عمق‌ها، به این عارضه‌ی دنیای مجازی‌شده اشاره می‌کند. او بر اساس داده‌های تجربی ثابت می‌نماید، اینترنت باعث سطحی شدن، کم‌عمق شدن و کم‌حوصله شدن انسان‌ها شده است (نک: کار، ۱۳۹۳). در این روزگار انسان‌ها بیش از پیش نیاز به صبر و تحمل دارند.

۴-۳-۱-۱- فضایل پشتیبان صبر

فضیلت صبر هرچند محور اصلی مقاومت در مقابل جامعه‌ی تهدید است؛ اما در اطرافش فضایی وجود دارند که وجود آن‌ها در خانواده موجب تقویت صبر و افزایش استقامت می‌شود. دو فضیلت حیا و زهد می‌توانند صبر و مقاومت را افزایش دهند.

۱. حیا: مرحوم نراقی حیا را مقابل وقاحت معنا می‌کند و می‌گوید: «بازداشته شدن (انحصار و انفعال) نفس از انجام حرام‌های شرعی، عقلی و عرفی به دلیل مذمت و ملامت دیگران» (نراقی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۶). راغب در الذریعه این‌گونه حیا را شرح می‌کند: «حیا خودداری (انقباض) نفس از انجام افعال زشت است، درحالی‌که از ویژگی‌های انسان است. این ویژگی اولین نشانه‌ی قدرت فهم در کودکان است. خداوند انسان را با حیا تجهیز کرده تا از کارهای نامناسبی که شهوت به‌سوی آن‌ها می‌کشاند، دوری کند و حیا مرکب از ترس و پاک‌دامنی است» (راغب، ۱۳۷۳، ص ۲۸). عناصر اصلی حیا عبارت‌اند از: ۱. قدرت فهم؛ ۲. وجود ناظر بیرونی؛ ۳. ترس و پاک‌دامنی درونی؛ ۴. خودداری به نحو انفعالی. عنصر دوم حیا، یعنی ناظر بیرونی، در ادبیات روایی خداوند متعال معرفی می‌شود. این نکته از هم‌نشینی حیا با رؤیت و علم خداوند قابل فهم است؛ برای نمونه، چند مورد از روایات را ذکر می‌کنم: «حیا می‌کنیم از تو، درحالی‌که ما را می‌بینی» (مجلسی،

۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۱۲۵؛ «فهمیدم خدا از من مطلع است، پس حیا کردم» (همان، ج ۷۵، ص ۲۲۸)؛ «اَسْتَحْيَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛ از خداوند حیا می‌کنم» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۶؛ حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۱۱۰؛ طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵).

قدرت فهم به کمک ناظر بیرونی (خداوند) و ترس و پاکدامنی درونی نفس را از عمل زشت بازمی‌دارند. نکته‌ی قابل‌توجه در حیا حالت انفعالی آن است. همین امر موجب می‌گردد تا با تقویت ناظر بیرونی و ترس و پاکدامنی درونی فرد به‌صورت خودکار از عمل زشت بازداشته شود. هرچه حیا بیشتر، انجام عمل زشت سخت‌تر می‌گردد و در نتیجه، راهکار صبر تقویت خواهد شد. خانواده و فرزندی که حیا در آنان نهادینه شود، راحت‌تر می‌توانند صبر پیشه کنند. حیا به‌ویژه صبر در حوزه‌ی پاکدامنی و امور شهوانی را تقویت می‌کند.

۴. **زهد:** زهد به معنای رغبت نداشتن و محبت نداشتن به دنیا و امور دنیوی است (نراقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۷). فیض در الحقایق زهد را به نخواستن قلبی دنیا مگر به‌اندازه‌ی نیاز بدن تعریف می‌کند (فیض، ۱۴۲۳، ص ۱۲۰). برخلاف حیا که از ویژگی‌های انفعالی است، زهد در حوزه‌ی امیال است و نداشتن میل است. زهد آزادی از امیال پست و ایجاد امیال والا در انسان است. این آزادی صبر را در انسان تسهیل می‌کند. ابو بصیر از امام صادق^(ع) نقل می‌نماید: «انسان آزاد در همه‌ی حالات آزاد است؛ زیرا اگر سختی برایش پیش آید، صبر پیشه می‌کند»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۹) و در روایت دیگری می‌فرماید: «کسی که در دنیا زاهد باشد، خداوند او را از دنیا به‌سوی آخرت خارج می‌کند، درحالی‌که سالم است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۸)؛ همچنین در روایات، کمک‌کارترین خُلق برای دین زهد در دنیا دانسته شده است^۲ (همان). دستگاه‌های تبلیغاتی امروزه هر دو فضیلت یعنی حیا و زهد را نشانه رفته‌اند. با پایین آمدن حیا و زهد، پایه‌های صبر در افراد سست می‌شود.

راهکارهای رفتاری

در کنار فضایل و خصوصیات درونی، راهکارهای بیرونی و رفتاری نیز در روایات توصیه‌شده است؛ راهکارهایی همچون تقیه، رفت‌وآمد نکردن با دیگران، درگیری نداشتن با آنان، ترک شبهات و ورع.

۴-۳-۱-۲- تقیه و حفظ زبان

یکی از راهکارهای مقاوم‌سازی تقیه و حفظ زبان از افشای عقاید تشیع است. در روایات نیز صبر مذکور در آیه‌ی «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ مِمَّا صَبَرُوا» (قصص: ۵۴)، به صبر بر تقیه تطبیق داده شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۷)؛ همچنین نه‌دهم دین در تقیه دانسته شده است (همان) و تأکیدهای بسیاری که در روایات به‌تفصیل آمده است (همان، ص ۲۱۷-۲۲۳).

تقیه در روایات به‌عنوان واجب و وقایه‌ای برای دین مؤمنان بیان شده است. امام صادق^(ع)

۱- «إِنَّ الْحُرَّ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِنْ تَابَتْهُ نَائِبَةٌ صَبَرَ لَهَا»

۲- «إِنَّ مِنْ أَعْوَنِ الْأَخْلَاقِ عَلَى الدِّينِ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا»

می‌فرمایند:

«برای حفظ دین خودتان تقیه کنید. آن را زیر پرده‌ی تقیه بدارید؛ زیرا هر که تقیه ندارد، ایمان ندارد. همانا شما در میان مردم چون زنبور عسل باشید میان پرندهگان. اگر پرنده‌ها می‌دانستند درون زنبور عسل چیست، چیزی از آن نمی‌ماند که آن را نخورند و اگر مردم بدانند که در درون دل شما چیست و بفهمند که شما ما خاندان را دوست می‌دارید، شما را با همان زبان خود بخورند و تمام کنند و شما را در نهان و عیان بد گویند. خدا رحمت کند بنده‌ای را که از شماها بر دوستی و ولایت ما باشد» (همان، ص ۲۱۸). امام صادق^(ع) می‌فرمود: «تقیه سپر مؤمن است. تقیه نگهدار مؤمن است. هر که تقیه ندارد، ایمان ندارد» (همان، ص ۲۲۱). از نظر زمانی، هرچه زمان ظهور نزدیک می‌شود، باید بیشتر تقیه کرد (همان، ص ۲۲۰)؛ همچنین در دولت باطل و شیطان توصیه به تقیه شده است (همان، ص ۲۲۰ و ۳۷۲).

اینکه در عنوان این بخش حفظ زبان را در عنوان اضافه کردیم، به علت آن است که عمده‌ی کار تقیه حفظ زبان و نگفتن اسرار و عقاید و ارزش‌ها است. افشا نکردن سرّ و حفظ زبان موجب می‌گردد که دیگران و مخالفان کمتر قصد تخریب و از بین بردن عقاید خود و خانواده را بکنند. نقل شده است، امام صادق^(ع) دست بر دهان غلامش نهاد و گفت: «زبان‌ت را نگهدار تا سلامت بمانی. مردم را بر گردن ما سوار مکن» (همان، ص ۱۱۳).

در برخی روایات، فروخوردن خشم مصداق تقیه دانسته شده است. امام صادق^(ع) فرمود: «فروخوردن خشم از دشمن در زمان دولت و اقتدار آنان، تقیه و احتیاطی است برای کسی که دوران‌دیشی کند و به معرض بلای دنیا درنیاید و مخاصمه نمودن و دشنام دادن دشمنان در زمان اقتدار آنان بدون مراعات تقیه، ترک دستور خداست؛ پس با مردم مدارا کنید تا عمل شما نزد آنان بزرگ و فربه شود [از شما به نیکی یاد کنند] و با آنان دشمنی مکنید که بر گردن خود سوارشان کنید و خوار و زبون گردید» (همان، ص ۱۰۹).

با توجه به روایاتی که در اینجا آورده شد، تقیه هرچند در ظاهر برای حفظ سلامت جانی مؤمن توصیه شده است؛ اما فواید و اهداف بیشتری دارد: نخست، سلامت ایمانی مؤمن و دوم، بر اساس همین روایت اخیر، تبلیغ دین و مذهب است و سوم، بار و زحمت اضافی ایجاد نکردن برای ائمه‌ی مؤمنین. با توجه به روایات متعدد، تقیه نه تنها یک توصیه، بلکه یک ضرورت دینی برای حفظ ایمان و جان مؤمنان است. تأکید اهل بیت^(ع) بر حفظ زبان و خودداری از افشای عقاید شیعه نشان‌دهنده‌ی اهمیت رعایت احتیاط در جوامعی است که دشمنان اهل بیت^(ع) در آن قدرت یا دارند. امام صادق^(ع) تقیه را سپر و نگهدار ایمان معرفی کرده‌اند و آن را لازمه‌ی دین‌داری دانسته‌اند؛ همچنین فروخوردن خشم و مدارا با مخالفان از جلوه‌های عملی تقیه است که مانع ایجاد دشمنی‌های بی‌مورد و آسیب به شیعیان می‌شود؛ بنابراین، رعایت تقیه به‌ویژه در دوران حکومت‌های ظالم و نزدیک به زمان ظهور، اهمیت بیشتری می‌یابد. حفظ زبان و پرهیز از تحریک مخالفان هم به مصلحت فردی و هم به حفظ کلیت مکتب شیعه کمک می‌کند؛ در نتیجه، تقیه نه یک ضعف، بلکه یک راهبرد هوشمندانه برای بقای دین و مؤمنان است.

۴-۳-۱-۳- ترک شبهات و ورع

ایجاد و ترویج شبهات یکی از مؤثرترین ابزارهای تضعیف باورهای دینی و ارزش‌های اصیل در جامعه است. دشمنان دین و مخالفان عقاید دینی در بسیاری از موارد، به‌جای مقابله‌ی مستقیم، با ایجاد تردید و شبهه در اذهان مردم، آنان را از درون دچار ضعف و تزلزل می‌کنند. این روش از گذشته تاکنون وجود دارد و همچنان یکی از شیوه‌های اصلی در جنگ نرم عقیدتی محسوب می‌شود. امام صادق^(ع) در روایتی بیان می‌کنند که کذب و دروغ‌گو خود به‌واسطه‌ی امور روشن هلاک می‌شود؛ اما پیروانش را با شبهات به هلاکت می‌کشاند (همان، ص ۳۳۹). این بیان نشان‌دهنده‌ی خطرات جدی شبهات برای عموم مردم است؛ زیرا بسیاری از آنان توانایی تشخیص حقیقت را در میان اطلاعات گمراه‌کننده ندارند.

در این میان، راهکار اصلی برای مقابله با شبهات اجتناب از آن‌هاست. البته پرهیز از شبهات زمانی امکان‌پذیر است که امکان اجتناب وجود داشته باشد؛ اما در دنیای امروز که رسانه‌ها، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تا درون خانه‌ها و زندگی شخصی افراد نفوذ کرده‌اند، دیگر نمی‌توان به‌طور کامل از مواجهه با شبهات دوری کرد. با این حال، افراد به‌ویژه والدین، معلمان، متولیان فرهنگی و صاحبان رسانه‌ها می‌توانند نقش مؤثری در کاهش میزان شبهات و جلوگیری از دامن زدن به آن‌ها ایفا کنند. راهکارهای عملی برای کم کردن شبهات عبارت است از:

۱. **تقویت آگاهی دینی:** یکی از راه‌های مهم برای پرهیز از شبهات، افزایش سطح دانش دینی افراد است. آگاهی نسبت به معارف اسلامی، شناخت صحیح از منابع معتبر و رجوع به علما و اندیشمندان دینی نقش مهمی در تقویت ورع و توانایی تشخیص حق از باطل دارد.

۲. **خودداری از نشر شبهات بی‌اساس:** بسیاری از افراد ناآگاهانه به‌گسترش شبهات کمک می‌کنند، درحالی‌که ممکن است به‌دنبال یافتن پاسخ باشند؛ اما نشر بدون تحلیل و بررسی شبهات می‌تواند باعث تضعیف باورهای دیگران شود؛ بنابراین، والدین، معلمان، رسانه‌ها و همه‌ی افراد باید نسبت به محتوایی که منتشر می‌کنند، دقت لازم را داشته باشند.

۳. **ترویج تفکر انتقادی و بررسی منابع:** در دنیای امروز، حجم عظیمی از اطلاعات به‌سرعت در فضای مجازی منتشر می‌گردد؛ بنابراین، یکی از راهکارهای مهم برای مقابله با شبهات، آموزش تفکر نقادانه به افراد جامعه، به‌ویژه نسل جوان است تا بتوانند اطلاعات را بررسی کنند و حقیقت را از تحریف تشخیص دهند.

۴. **مدیریت رسانه‌ها و محتوای فرهنگی:** رسانه‌ها و فضای مجازی در انتشار و ترویج شبهات نقش اساسی دارند. باید نظارت و مدیریت بر محتوای رسانه‌ای تقویت شود و تولید محتواهای دینی و اعتقادی مستحکم، جذاب و متناسب با نیازهای جامعه در اولویت قرار گیرد.

البته باید توجه داشت، اگر ترک شبهه به یک امر درونی تبدیل نگردد، نمی‌توان در دنیای امروز انتظار فراوانی از والدین و مربیان داشت. در روایات اسلامی، ورع و ترک شبهه ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند. ورع به معنای خویش‌داری و پرهیز از هر آنچه ممکن است انسان را به گناه یا انحراف بکشاند، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی در تعالیم دینی است. امام صادق^(ع) تأکید

دارند که باورترین افراد کسانی هستند که از شبهات دوری می‌کنند (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶). در حقیقت، هرچه درجه‌ی ورع در فرد بالاتر باشد، حساسیت او نسبت به پرهیز از شبهات نیز بیشتر خواهد بود. فردی که از نظر دینی و اخلاقی ورع دارد، نه‌تنها از گناهان آشکار اجتناب می‌کند (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲۵)، بلکه از اموری که احتمال آلودگی عقیدتی و رفتاری در آن‌ها وجود دارد، نیز دوری می‌جوید.

روایات اسلامی ورع را سدی محکم در برابر انحرافات و عاملی برای صیانت از دین معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۶). به همین علت، یکی از مهم‌ترین راهکارهای اساسی برای مقابله با شبهات، تقویت فضیلت ورع در جامعه است. اگر افراد به ورع دینی مجهز شوند، در برابر شبهات و تبلیغات گمراه‌کننده مقاوم خواهند شد و به‌راحتی تحت تأثیر جوسازی‌های رسانه‌ای و القائات انحرافی قرار نخواهند گرفت.

به‌طور خلاصه، مهم‌ترین راهکار عملی برای مقابله با شبهات ترک آن‌هاست و ورع ویژگی درونی‌ای است که این رفتار را تقویت می‌کند. افراد با ورع دینی بالا نه‌تنها از گناهان آشکار پرهیز می‌کنند، بلکه از شبهات و مسائل مشکوک نیز دوری می‌جویند. این رویکرد هم به حفظ ایمان فردی و هم به جلوگیری از گسترش انحرافات در جامعه کمک می‌نماید. در دنیای امروز که دسترسی به اطلاعات گسترده‌تر از هر زمان دیگری است و شبهات از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی به‌راحتی منتشر می‌شوند، ضرورت دارد که با تقویت ورع، افزایش آگاهی دینی، گسترش تفکر انتقادی و مدیریت محتواهای رسانه‌ای به مقابله با این چالش‌ها بپردازیم. تقویت فضیلت ورع در جامعه نه‌تنها ایمان افراد را حفظ می‌کند، بلکه آنان را در برابر توطئه‌ها و تردیدهای فکری مقاوم می‌سازد و از آسیب‌های عقیدتی مصون نگه می‌دارد.

جدول ۳: راهکارهای سلبی مقاومت

راهکارهای سلبی			
راهکارهای رفتاری		فضایل پشتیبان	فضیلت محوری
ترک شبهه و ورع	تقیه و حفظ زبان	حیا و زهد	صبر

۲-۳-۴- راهکارهای ایجابی و فعال

راهکارهای مقاومت در مقابل جامعه‌ی تهدید می‌تواند به هدف تغییر فضای جامعه انجام گیرد. از این راهکارها به راهکارهای ایجابی و فعال تعبیر می‌کنیم. در این شیوه‌ی مقاومت، حفظ ارزش‌ها به سبب انتشار و ترویج آن‌ها است.

۱-۲-۳-۴- سواد ارزشی/اخلاقی

خانواده‌ها و به‌ویژه سرپرستان خانواده باید برای ارتقای سواد ارزشی و اخلاقی خانواده برنامه داشته باشند. مقاومت اگر بخواهد از حالت حدقلی، منفعلانه و سلبی خارج گردد، باید مقاومتی

آگاهانه باشد. مقاومت آگاهانه می‌تواند حداکثری، فعال و با هدف تغییر در جامعه باشد. به حکم آیه‌ی «ای کسانی که ایمان آوردید، خود و اهلتان را از آتش حفظ کنید» (تحریم: ۶)، والدین، به‌ویژه پدر، موظف به حفاظت از خانواده در مقابل دوزخ هستند و تعلیم ارزش‌ها و اخلاق مقدمه‌ی حفاظت از خانواده است. تعلیم ارزش‌ها موجب تبدیل ارزش‌های تقلیدی بودن به ارزش‌های انتخابی می‌شود و فرد توان دفاع از نظام ارزش‌های خود و نقد دیگر نظام‌ها را پیدا خواهد کرد.

۴-۳-۲-۱- دو نکته در تعلیم

اول. پیشی گرفتن در تعلیم: بهتر است فرزندان و خانواده پیش از مواجهه با افکار باطل و ضاله، از شما عقاید حقه را بیاموزند. پیش از اینکه آسیبی از آن عقاید ببینند، درمان آن را با خود داشته باشند و بیمه شوند. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «به تعلیم احادیث صحیح به فرزندان مبادرت کنید، قبل از آنکه مرجئه از شما پیش بگیرد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷) و امام علی^(ع) می‌فرماید: «به کودکانتان چیزهایی را یاد بدهید که به خاطرش خداوند به آنان بهره برساند و نباید مرجئه با افکارشان بر آنان چیره شوند» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۴).

دوم. آگاهی دادن نسبت عقاید غیرحق و باطل: همچنان که لازم است عقاید حقه به فرزندان تعلیم داده شود، باید در کنار آن عقاید باطل را نیز آموزش بدهیم، به‌گونه‌ای که افراد در مواجهه با آن‌ها گمان نکنند مطلب تازه‌ای دریافته‌اند؛ همچنین یادگیری عقاید باطل موجب می‌گردد تا فرد با شناخت آن‌ها دچار آن‌ها نشود. وقتی به کسی توحید را آموختیم، اگر انواع شرک را به او نیاموزیم، ممکن است دچار انواع شرک‌ها گردد، به گمان اینکه با توحید تنافی ندارد. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «بنی‌امیه برای مردم تعلیم ایمان را آزاد گذاشتند و تعلیم شرک را منع کردند؛ زیرا هرگاه مردم را سمت شرک بردند، آنان انکار نکنند و بپذیرند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۱۵). در روایات علوم و معارف مختلفی توصیه شده است که به کودکان و فرزندان تعلیم داده شود:

۴-۳-۱-۲- توحید

پیامبر^(ص) می‌فرماید: «فرزندانان چون زبان باز کردند "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" را به آنان بیاموزید» (هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۶، ص ۴۴۰).

۴-۳-۲-۳- ولایت

پیامبر^(ص) می‌فرماید: «فرزندانان را بر حب علی علیه‌السلام ادب کنید» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۳)؛ همچنین امام صادق^(ع) در پاسخ سلیمان بن خالد که می‌پرسد: من اهل خانه‌ای دارم که حرف‌شنوی از من دارند، آیا آنان را به این امر (ولایت) دعوت کنم؟ حضرت صادق^(ع) می‌فرماید: بله (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۱).

۴-۱-۲-۳-۴ فضایل و رذایل

در سیره‌ی امام علی^(ع) و امام باقر^(ع) نقل شده است که فرزندان‌شان را می‌نشانند و مفاهیم و مسائل اخلاقی را به آن‌ها یاد می‌دادند و دوباره از آنان می‌پرسیدند. در نقلی امام علی^(ع) مفاهیمی چون عقل، حزم، مجد، سماحت، شج و... را یکی‌یکی از امام حسن^(ع) پرسید و به اطرافیان توصیه می‌کنند این مطالب را به فرزندان‌تان بیاموزید (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۴۰۱). در روایت دیگر، امام صادق^(ع) حکایت می‌کنند که پدرشان برخی امور اخلاقی را به ایشان آموختند (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷۶). این نشان می‌دهد یک سیره‌ی مستمری میان ائمه^(ع) بر تعلیم اخلاق و فضایل بوده است.

۴-۱-۲-۳-۵- فرایض اسلامی

در قرآن، خداوند فرمان داده است که «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ اهلتان را به نماز امر کنید و بر آن صبر پیشه کنید» (طه: ۱۳۲) و یا در وصف حضرت اسماعیل آمده است که «وَوَكَّانُ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ؛ اهل خود را به نماز و زکات امر می‌کرد» (مریم: ۵۵).
ذیل آیه سوره‌ی طه و دیگر آیات، روایات بسیاری وارد شده که به تعلیم نماز، روزه، زکات و سایر فرایض دینی به فرزندان توصیه شده است (ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۸۴-۸۷). به‌ویژه در روایتی از پیامبر^(ص) نسبت به تعلیم فرایض در آخرالزمان تأکید شده است: «وای بر فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان!» کسی گفت: ای رسول خدا! از پدران مشرکشان؟ حضرت فرمود: «نه از پدران مؤمنشان، فرایض را به آنان نمی‌آموزند و...» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۰۶).

۴-۲-۳-۲- کرامت فردی و عزت اجتماعی

در میان راهکارهای ایجابی کرامت فردی و عزت اجتماعی از محوری‌ترین فضایل است. خانواده‌ای که فرزندان و اهل خود را به تبعیت از رسول خدا ص تکریم کند (ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۹۸) و با این کار هم کرامت نفس فردی او را بالا ببرد و به او عزت اجتماعی دهد، انسان‌های مقاومی به علت داشتن کرامت نفس تربیت می‌کند و افراد مؤثری به سبب داشتن عزت اجتماعی به جامعه تحویل می‌دهد.
فرد دارای کرامت به خاطر شأن و جایگاهی که برای خود قائل است، چون دنیا در نظرش پست می‌شود (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۷۸)، خود را به شهوات، گناهان و زشتی‌ها نمی‌آلاید (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۵؛ لیتی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۹). در مقابل، فرزندی که در خانواده کرامت لازم را نیافته، ممکن است تن به هر کار و فعل قبیحی بدهد تا بزرگی و شأن نداشته را در جای دیگر بیابد. این فرد حکم تشنه‌ای را دارد که به هر بهانه، قصد سیراب شدن دارد، حتی اگر با آب متعفن و کثیف باشد. این چنین فردی اگر جایگاه اجتماعی پیدا کند، به دنبال گشودن عقده‌های انباشته شده‌ی خود خواهد بود.

تکریم فرزندان گلوگاه بسیار مهمی در تربیت فرزندان است. تکریم فرزند به معنای احترام گذاشتن و اهمیت دادن به آن است (ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶). لزوماً تکریم به معنای توجه

بی‌حد و حصر و تبعیت محض از اولاد نیست؛ زیرا ممکن است توجه بسیار و تبعیت فرزند را نازپرورده سازد و در مقابل هر سختی ضعیف گرداند. اگر احترام و اهمیت به فرزند به صورت صحیح در خانواده انجام گیرد، فرد برای خود قیمت و ارزشی قائل خواهد بود که به هر چیزی تن نمی‌دهد. ایجاد ارزش و قیمت برای فرد مهم‌ترین حفظ و سپر برای ایستادگی و مقاومت است. انسان کریم اگر عزت و منزلت اجتماعی پیدا کند، می‌تواند جامعه را مقاوم سازد. ایجاد عزت اجتماعی در روایات معلول اموری چون انصاف (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۴)، عفو (همان، ص ۱۰۸)، بخشیدن به کسی که محروم کرده، ارتباط با کسی که ارتباطش را قطع کرده (همان، ص ۱۰۹)، حلم (همان، ص ۱۱۲)، صلح رحیم (همان، ص ۱۵۲)، امانت‌داری (همان، ص ۱۶۳) و خیرخواهی مالی داشتن برای دیگران (همان، ص ۱۶۳) است. کسی که عزت را از راه‌های یادشده و تأیید الهی یافته باشد، علاوه بر مقاوم ساختن خود می‌تواند مقاومت را در سطح جامعه ایجاد کند.

۴-۳-۲-۳- تحکیم روابط مؤمنان

اگر مؤمنان روابط با یکدیگر را سامان دهند، مقاومت در فرد، خانواده و جامعه را می‌توانند افزایش دهند. گاه فردی تنها به فکر خود و خانواده است و گاه علاوه بر خود و خانواده، جمعیتی را حول محوری مانند مسجد یا هیئت مذهبی شکل می‌دهد و آنجا را هسته‌ی مقاومت می‌کند. در جامعه‌ی تهدید، هرچه روابط بین‌فردی و بین خانواده‌ها افزایش پیدا کند، مقاومت افزایش می‌یابد.

تأکید ائمه‌آبه اهتمام به امور مسلمانان (همان، ص ۱۶۳)، برادری مؤمنان (همان، ص ۱۶۵)، مودت داشتن به هم، مواسات داشتن، پشت‌وپناه هم بودن، یاری کردن به هم در برابر ظالمان و... (همان، ص ۱۷۱) برای تحکیم وحدت مؤمنان است که خود به افزایش مقاومت جامعه‌ی دینی منجر خواهد شد. در جایی که احساس انفراد و تک بودن بشود، احتمال هضم شدن در فرهنگ عمومی که در مقاله به‌عنوان جامعه‌ی تهدید شناخته‌شده است، بسیار بالا می‌رود؛ اما اگر روابط ایمانی و اجتماعی میان افراد ارزشی برقرار شود، اولین اثرش این است که خود و خانواده احساس تنهایی در ایستادگی بر ارزش‌ها نخواهد کرد و همین احتمال مقاومت خود و خانواده و فرزندان را بالا خواهد برد.

امام صادق^(ع) به اصحابشان می‌فرمودند: «تقوا پیشه کنید و برادرانی خوش‌رفتار باشید، در راه خدا باهم دوستی کنید و پیوستگی داشته باشید و مهر ورزید، به دیدار و ملاقات یکدیگر روید و امر (ولایت) ما را مذاکره کنید و آن را زنده دارید» (همان، ص ۱۷۵). این دست توصیه‌ها به دلگرمی جامعه مؤمنان و افزایش مقاومت آنان منجر می‌شود و امثال آن را بسیار می‌توان یافت؛ برای مثال، ادخال سرور در قلوب مؤمنان (همان، ص ۱۸۹)، قضای حاجت مؤمن (همان، ص ۱۹۲)، سعی در قضای حاجت مؤمن (همان، ص ۱۹۷)، پوشاندن مؤمن (همان، ص ۲۰۴)، لطف و اکرام مؤمن (همان، ص ۲۰۵)، خدمت به او (همان، ص ۲۰۷)، خیرخواهی برای مؤمن (همان، ص ۲۰۸) و اصلاح

روابط (همان، ص ۲۰۹).

فصل عظیمی از آیات و روایات به این مباحث پرداخته است. هرچه جامعه‌ی ایمانی وحدت بیشتری یابد، احساس هویت بیشتری خواهد کرد و خود احساس هویت مقاومت را در فرد و خانواده افزایش خواهد داد. هنگامی که فرزندان و خانواده ما احساس کنند، تک‌وتنها مقابل یک جریان جهانی ایستاده‌اند، احتمال کم آوردن و جا زدن بسیار بالا خواهد بود؛ اما اگر در هیئت و مسجد و اطرافیان بسیاری را مانند خود چادری، نمازخوان، اهل قرآن و روایات و به‌طورکلی وفادار به ارزش‌ها دینی و خانوادگی ببابند، دیگر به‌راحتی کنار نخواهند کشید و از ایستادگی پا پس نمی‌کشند.

جدول ۴: راهکارهای ایجابی مقاومت

راه کارهای ایجابی		
مقاومت آگاهانه	فضایل محوری	راه کارهای رفتاری
تعلیم سواد ارزشی و اخلاقی	گرامت نفس و عزت اجتماعی	تحکیم روابط مؤمنین

۵- نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد، نظام کاملی از راهکارهای مقاومت ارائه شود که در اخلاق نقلی با محوریت کتاب ایمان و کفر الکافی مطرح شده است. فضای کلی حاکم بر اخلاق نقلی، فضای مقاومت و ایستادگی در مقابل جریان باطل، مشکلات و سختی‌ها است. اخلاق نقلی اخلاق فضای آرام و بی‌دردسر نیست، بلکه اخلاق فضای ملتهب و ناآرام است؛ اخلاقی است که به‌دنبال استقامت بر ایمان است.

در آنچه گذشت، راهکارها به سه دسته‌ی «ناظر به مبانی»، «سلبی» و «ایجابی» تقسیم شد و ذیل هر یک مستندات و توضیحاتی ارائه گردید که خلاصه‌ی آن‌ها را در جداول شماره‌ی ۲ تا ۴ می‌توانید ملاحظه کنید.

ره‌آورد این پژوهش هرچند در بخش کوچکی از معارف نقلی صورت گرفته است، اما نکات و دقائق مهمی در اخلاق نقلی است:

مقاومت حکایت امروز و دوران معاصر نیست، بلکه ایمان نیاز به مقاومت و مقاوم‌سازی در همه‌ی دوران‌ها دارد. تنها نوع این مقاومت متفاوت می‌شود؛ همچنین ممکن است در برخی زمان‌ها وظایف اجتماعی به علت تقیه و امثال آن کاهش یابد؛ اما وظیفه نسبت به خانواده هیچ‌گاه تعطیل نمی‌شود (این بحث ذیل «توجه به طینت افراد» مطرح شد).

شناخت عناصر اصلی دین و اولویت‌بندی میان آن‌ها در دوراهی‌ها و دشواری‌های اخلاقی بسیار اهمیت دارد. متأسفانه کمتر بحثی در اخلاق نقلی در تعیین عناصر اصلی و فرعی دین و ارزش‌های دینی صورت گرفته است. در برخی موارد، راهکارهای مقاوم‌سازی اقتضای انتخاب یک عنصر خاص را دارد و اگر نظام طولی ارزش‌ها مشخص نگردد، ممکن است عنصر فرعی به جای

اصلی انتخاب شود.

آنچه در دین در حوزه‌ی ارزش‌ها اهمیت دارد، ریشه‌ی افعال است که شامل افکار، انگیزه‌ها و ملکات افراد است. در مقاومت‌سازی باید بر عقاید، انگیزه‌ها و ملکات بیشتر از افعال تأکید کرد و نباید افکار و درونیات را به پای التزام بر افعال ظاهری فدا کرد. راهکار مقاومت‌سازی در حوزه‌ی رفتارهای ظاهری میانه‌روی است و افراط در انجام اعمال ممکن است به تفریط و کم گذاشتن در تکالیف منجر گردد.

در مقاومت‌سازی توجه به سنخ افراد و نوع ایمانشان بسیار اهمیت دارد. مؤمن طینتی با مستضعف یا معار یا مؤلفه قلب بسیار متفاوت است. این تفاوت‌ها باید در ارائه‌ی راهکار ملاحظه شود؛ همچنین ظرفیت افراد بسیار مهم است و نباید بیشتر از وسع به آنان تحمیل کرد؛ زیرا به کاهش مقاومت آنان در برابر سختی‌های تکلیف منجر می‌گردد.

راهکارهای سلبی مقاومت شامل اموری چون صبر، حیا، زهد، تقیه، حفظ زبان و ورع است. راهکارهای ایجابی مقاومت شامل اموری چون تعلیم سواد ارزشی-اخلاقی، کرامت نفس، عزت نفس و تحکیم روابط مؤمنان است.

ارائه‌ی راهکارهای دقیق، کلی و جامع نیاز به گردآوری پژوهش‌های جزئی در ابواب مختلف اخلاق نقلی دارد. پس از گرد آمدن این پژوهش‌ها و ترکیب و تحلیل داده‌هایشان به جمع‌بندی رسید. متأسفانه برخی پژوهشگران پیش از بررسی جزئیات اخلاق نقلی، به دنبال الگوی کلی اخلاقی نقلی در مقاومت‌سازی خانواده می‌روند و برخی دیگر نیز با یک بررسی جزئی نتیجه‌ی کلی می‌گیرند. پژوهش‌های جزئی و باب به باب کتب اخلاق نقلی گام‌های کوچکی است؛ اما در صورت گردآوری آن‌ها، گام‌های متقن‌تری برای رسیدن به یک الگو و نظریه‌ی جامع در حوزه‌ی مقاومت در اخلاق نقلی است.

منابع

- ابن بابويه، محمد بن علی؛ الخصال؛ مصحح علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- _____؛ علل الشرائع؛ قم: بی نا، ۱۳۸۵ ش.
- _____؛ من لایحضره الفقیه؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____؛ معانی الأخبار؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
- حرانی، ابن شعبه حسن بن علی؛ تحف العقول؛ دوم، قم: بی نا، ۱۴۰۴ ق.
- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر؛ نزهة الناظر و تنبیه الخاطر؛ قم: بی نا، ۱۴۰۸ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ الذریعة إلى مکارم الشریعة؛ قم: بی نا، ۱۳۷۳ ش.
- راغب، حسین بن محمد اصفهانی؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغة؛ صبحی صالح؛ قم: بی نا، ۱۴۱۴ ق.
- شعیری، محمد بن محمد؛ جامع الأخبار؛ نجف، بی نا، بی تا.
- شهید ثانی؛ شرح اللمعة؛ تحقیق اشرف سید محمد کلانتر؛ قم: بی نا، ۱۳۸۷ ق.
- طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ چاپ دوم، نجف: بی نا، ۱۳۸۵ ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین؛ تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، خواجه نصیرالدین؛ اخلاق ناصری؛ تهران: علمیه اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- عسکری، حسن بن عبدالله؛ الفروق فی اللغة؛ بیروت: دار الآفاق الجديدة، ۱۴۰۰ ق.
- فیض، محمد بن شاه مرتضی؛ الحقایق؛ قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق.
- مصطفوی، سید جواد؛ ترجمه و شرح أصول الکافی؛ تهران، ۱۳۶۹ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- لیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ قم: بی نا، ۱۳۷۶ ش.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد؛ شرح الکافی - الأصول و الروضة؛ تهران: بی نا، ۱۳۸۲ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الأنوار؛ چاپ دوم، بیروت: بی نا، ۱۴۰۳ ق.
- _____؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ چاپ دوم، تهران: بی نا، ۱۴۰۴ ق.
- محمدی ری شهری، محمد؛ تریبۃ الطفل فی الإسلام؛ قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۶ ش.
- نجفی، شیخ محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲ ش.
- نراقی، ملا مهدی بن أبی ذر؛ جامع السعادات؛ تصحیح محمد کلانتر؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
- هندی، متقی؛ کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال؛ بی جا: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق.

